اهلال هلال قبل از دخول لیل و مسأله دیه مغلظه

(31:30)

ایشان باز فرمایشی دارند. من روی بزنگاه عرضم تأکید کنم؛ من گفتم وقتی اهلال هلال به‌عنوان یک امر تکوینی شد، دخول شهر به‌معنای یک امر جزء الموضوع شده است. مثل اینکه زوال جزء الموضوع وجوب صلات شده ولی هنوز مکلف نشده است. ساعت سه بعد از ظهر بالغ می‌شود. وقتی ساعت سه شد، آن وقت فعلیت آن تامه می‌شود. اما معنای این نیست که حال زوال نشده باشد. برای او هم زوال شده، جزء الموضوع آمده، ولو فعلیت حکم مشروط به بلوغ او یا طهر از حیض است. الآن عرض من این است: وقتی اهلال هلال می‌شود، یک امر تکوینی شده است. ایشان اشکال کرده‌اند که اگر طبق حرف تو آمدیم مثلاً در ماه رجب در ساعت یازده صبح رؤیت هلال شد، و در ساعت هشت صبح کسی، شخصی را کشت. یا مثلاً دیشب در ساعت ده شب کسی را کشت، شما روی این مبنا چه می‌گویید؟ دیه مغلظه می‌شود؟! تغلیظ الدیه هست؟

شاگرد: هست.

استاد: هنوز که نشده؛ تو داری می‌گویی تازه در آن لحظه، شهر داخل می‌شود. شهر حرام که هنوز داخل نشده. این سؤال خوبی است. اگر ما می‌گوییم به اهلال هلال شهر داخل می‌شود و قبل از آن شهر داخل نشده، خب دیه را چه کار کنیم؟ دیه برای چیست؟ برای شب و روز است؟ قتل در شب، قتل در روز؟ یا برای قتل در شهر الحرام است؟ شما هم که می‌گویید شهر داخل شد. پس حکم برای لحاظات است، نه برای شب و روز. این را به‌عنوان نقضی در اینجا برای عرض من آورده‌اند. خب این سؤال خوبی است.

روی فرمایش مشهور هم باید به همین سؤال جواب بدهید. قبلاً هم عرض کردم. کشتن یک لحظه می‌شود؛ یک ثانیه، ده ثانیه، کسی با شلیک یک گلوله یا با ضربه یک شمشیر، دیگری را می‌کشد. اگر هنوز مغرب نشده و شرعا شب داخل نشده ولی هلال را دیدند؛ با فاصله ده دقیقه، در همین ده دقیقه او را کشت. استفتاء کنید؛ هلال را دیدیم و بعد از هلال شهر حرام او را کشت. شما می‌گویید دیه مغلظه هست یا نیست؟ باید حرف بزنیم. اگر می‌گویید دخول شهر حرام به دخول لیل است، خب نباید تغلیظ بشود، با اینکه رؤیت هلال شده است. اما اگر می‌گویید به رؤیت هلال است، «اذا راوا الهلال قالوا قد دخل الشهر الحرام». الآن هم دقیقاً «دخل الشهر الحرام». لذا در همین ده دقیقه هم ماه رجب داخل شده بود، و باید دیه مغلظه بدهد. پس بنابراین اصل این سؤال مشترک است. چون قتل فاصله طولانی ندارد. در یک فاصله کوتاهی قتل صورت گرفته است. اینجا باید چه بگوییم؟ چه نسبت به این ده دقیقه و چه نسبت به آن لحاظات؟

شاگرد: موضوع دیه چیست؟

استاد: موضوع دیه، وقوع قتل در شهر حرام است؟ یا نه، وقوع قتل در شهر حرامی است که حکم آن با شب یا روز بالفعل شده است؟ حکم برای لحاظات شهر است؟ یا برای بالفعل شدن حکم آن، توسط شب اول ماه یا روز اول ماه؟

شاگرد۲: برچسب شب و روز نیاز نیست ظاهرا.

استاد: به عبارت دیگر میگوییم «القتل فی نهار شهر الحرام، القتل فی لیل شهر الحرام»، به این صورت موضوع است؟ یعنی لیل و نهار برای شهر بالفعل شده باشد. بعد بگوییم حالا عرفا لیل، لیل شهر الحرام است، و نهار، نهار شهر الحرام است. حالا که بالفعل شده، بگوییم دیه مغلظه است.

شاگرد: مورد نقض ایشان متفاوت از مسأله روزه نیست؟

استاد: خلاصه شما چه میگویید؟ روی این فرض تغلیظ میآید یا نمیآید؟

شاگرد۲: واضح است که نمیآید.

استاد: چرا نمی آید؟

شاگرد: برای اینکه موضوع شهر نیست. روز شهر را که نگفته اند خودِ شهر را گفته اند یعنی ساعت یازده هلال را ببینیم ولی ساعت هشت قتل شده

استاد: نه، آن مثال را برای اصلش گفته بودند. شما بیایید الان فرض بگیرید ساعت سه بعد از ظهر رؤیت شده و هنوز ماه جمادی است.

شاگرد۲: شهر وارد شده ولی شب و روز شهر وارد نشده است.

استاد: یعنی الآن ساعت سه بعد از ظهر روز سی ام جمادی الثانی است، شما میگویید دیه مغلظه است؟! کسی حاضر نیست فتوا بدهد. هر کجا تحقق موضوع ای شروطش مشکوک باشد، برائت میآید. اصل این منافاتی ندارد با اینکه ما دخول شهر را بعنوان لحاظات بگیریم ولی در دیه مغلظه که وقوع قتل در شهر حرام است، بگوییم خدا موضوع آن را فعلیت عرفی قرار داده است. الآن روز سی ام جمادی الثانی است، عرف الآن نمیگوید الان شهر رجب است. ولو اهلال هلال شده باشد. قبول هم دارند هلال، هلال رجب است، اما نمیگویند این چند ساعت شهر الحرام است.

شاگرد: «قد دخل الشهر» مجاز میشود.

استاد: دخل الشهر نسبت به احکام شب و روز بله، باید ببینیم اصل «دخل الشهر» در عرف مجاز هست یا نه.

شاگرد: فتوا در اینجا چیست؟

استاد: گمانم تردیدی نیست که باید شب بشود.

شاگرد۲: مبنای آنها این است که شب را معیار قرار میدهند و اصالً فرمایشات شما را ندارند. صحبت سر این است که بدون انشائات طولی این نقض فرمایش شما میشود یا نه؟ والا طبق فرمایش شما مشکلی ندارد.

شاگرد: به نظر بنده هم خیلی واضح است که شهر وارد شده است. روزه که نیست تا بگوییم باید روز وارد بشود تا فعلیت پیدا بکند.

استاد: ببینید حتی بنابر فتوای مشهور بر خلاف نظر مرحوم سید بحر العلوم، شما می‌گویید اگر در سی ام ماه مبارک، قبل از زوال رؤیت هلال شد، مشهور می‌فرمایند «الیوم یوم الثلاثین من شهر رمضان» تا غروب. برای روزه ای برای غیر روزه؟

شاگرد: روایت می‌گوید «هذا الیوم من شوال».

استاد: ما علی المبنا جلو برویم. مبنای مشهور چیست؟ حضرت فرمودند «اذا کان تمام رئی قبل الزوال»، یعنی «اذا کان شهر الماضی تمام». یعنی سی ام برای آن است، نه غیر آن. بنابراین تا غروب عرف حاضر نیستند بگویند این الآن در شهر حرام است. چرا؟ چون برچسبی که عرف برای شب و روز ماه می‌زنند، احکام را متفرع بر این برچسب می‌کنند. نه بر لحاظات. چون تقویم و نظم و میقات متفرع بر این برچسب است. شب و روز متفرع بر اینها است.

شاگرد: هر وقت به شما اشکال می‌شد که این خلاف ارتکاز است، شما می‌فرمودید این به جهت مانوسات و متعارفاتش است. همان فرمایشات اینجا هم می‌آید.

استاد: اگر در تشخیص موضوع، مانوسات را می‌گویید، این درست است. ولی اینجا می‌خواهیم موضوع شرعی ـ"القتل فی شهر الحرام" را پیدا کنیم که آیا این برچسب عرفی، جزء این موضوع است یا نه؟ بعدنبال موضوع تکوینی نیستیم که بگویید انس است.

شاگرد: هر کدام از اینها در استظهار یک ضریبی دارد. فرض کنید با مبنای حضرت عالی جلو آمدهایم که شارع به تقویم کل کره نظر داشته است. حال در این فضا وقتی این را به عرف بگویند، نمی‌توانیم این را از آن استفاده کنیم و ظهوری به آن نمی دهد؟

استاد: اگر روزی کل امت، طبق آن عمل کردند، خودشان برچسب را می‌زنند. اگر طبق آن نصف النهار خاص عمل کردند؛ از شرق تا غرب همه طبق آن عمل کردند، برچسب هم زدند، می‌گویند «هذا هو الشهر الحرام». در این مشکلی ندارید. موضوع این است. ما می‌خواهیم موضوع را بفهمیم. یعنی شارع که فرموده دیه قتل در شهر حرام مغلظه است، یعنی شهری که عرف برچسب می زند این شهر برچسب زده به ثلاثین من شعبان ، این برچسب موضوع برای تغلیظ است؟ یا یک چیز تکوینی در آسمان و موضوع ثبوتی است؟ این تفاوت می‌کند. اگر شک کنیم برائت جاری می‌شود. به خلاف امور تکوینی.

بازبینی #2
ایجاد شده 13 ژانویه 2026 15:13:12 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 ژانویه 2026 15:18:54 توسط ... .